

تجربه زیسته‌ی دختران جوان از چالش‌های با خانواده در فرایند خواستگاری

آسیه شریعتمدار^۱، هانیه جهانی^۲

^۱ دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ دانش‌آموخته دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

انتخاب همسر یکی از مهمترین تصمیمات، هر فرد در نظر گرفته می‌شود و در واقع اهمیت این انتخاب به حدی است که از آن به عنوان گره خوردن جسم‌ها، روح‌ها و سرنوشت‌ها یاد می‌شود. یکی از سنت‌هایی که در کشور ایران برای این امر مهم صورت می‌گیرد، خواستگاری است که در دوره تحولات اجتماعی - اقتصادی اخیر، جوانان چالش‌های بیشتری نسبت به گذشته با خانواده تجربه می‌کنند. در پژوهش حاضر سعی بر این است که چالش‌هایی که جوانان با خانواده در فرآیند را مورد بررسی قرار دهد که به روش تحلیل مضمون انجام شده است. جهت جمع‌آوری اطلاعات، از مصاحبه نیمه ساختاریافته، استفاده شد. میدان مورد مطالعه، دختران جوانی که تجربه خواستگاری داشتند و با خانواده خود چالش‌هایی در این زمینه داشتند. مشارکت‌کنندگان به صورت داوطلبانه و در دسترس انتخاب، و مصاحبه با ۱۰ نفر و تا اشباع داده‌ها انجام شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات از طریق روش ۶ مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶) صورت گرفت. از طریق تحلیل مصاحبه‌ها و شناسه‌گذاری جملات و عبارات، مضامین فرعی به دست آمده در هفت مضمون اصلی ((ناهمسانی ارزش‌ها در مورد انتخاب همسر، تعارض ارزش‌ها نسبت به نوع آشنایی اولیه، کنترلگری و سنگ اندازی والدین، عدم توجه والدین به نظرات و راحتی فرزند، پرداختن به حواشی نامربوط به اصل ازدواج، تعارض نظرات در مهریه/ آداب و رسوم، نگرانی‌ها/ عقاید ناکارآمد و خاطرات تلخ والدین)) طبقه بندی شد. نتایج نشان داد جوانان و والدین در فرایند خواستگاری، به درک مشترکی نمی‌رسند و جوانان خود را در این موقعیت عامل تلقی نمی‌کنند.

واژه‌های کلیدی: جوانان، چالش، ازدواج، خانواده، انتخاب

مقدمه

خانواده نظام عاطفی پیچیده‌ای است، که در برگیرنده چند نسل بوده می باشد. ورود به این نظام از طریق تولد، فرزند خواندگی و یا ازدواج مسیر خواهد بود. خانواده بهترین بستر را برای تامین امنیت و آرامش روانی اعضاء، پرورش نسل جدید، اجتماعی کردن فرزندان و برآورده ساختن نیازها عاطفی افراد فراهم کرده است (سالاری فر، ۱۳۹۳).

در بین نهادهای اجتماعی خانواده از اهمیت به‌سزایی برخوردار است (امینی، محمودی ۱۳۹۷). خداوند متعال در قرآن کریم جایگاه ارزشمند خانواده را مورد تاکید قرار داده است. خانواده از منظر قرآن کریم نهادی است مقدس که بر پایه ازدواجی سالم که از آن به عنوان میثاق غلیظ یاد شده است (طلایی، برجعلی، شریعتمدار ۱۴۰۰). خانواده به عنوان کوچکترین نهاد اجتماعی، بر پایه ازدواج شکل می‌گیرد. در واقع ازدواج را می‌توان نقطه آغاز تشکیل خانواده دانست (فرحبخش، نعیمی، ۱۴۰۰). ساختار اولیه ازدواج را پیوند زن و مرد پدید می‌آورد و روابط عاطفی، اقتصادی و تربیتی در قالب آن شکل می‌گیرد. در سایه ازدواج، زن و مرد به جایگاه واقعی خود دست می‌یابند و زمینه رشد و تجلی ارزش‌های انسانی فراهم می‌گردد (روشنی، ۱۴۰۰).

از جمله عواملی که می‌تواند بر ازدواج زوجین تاثیرگذار باشد، سنت‌ها و فرهنگ‌هایی است که قبل از ازدواج از اهمیت خاصی برخوردار بوده که می‌توان از آن به عنوان "برنامه آماده‌سازی ازدواج" نام برد. این برنامه، برنامه پیشگیرانه است که هدف آن مجهز نمودن زوجین به دانش و مهارت‌هایی که به آن‌ها در حفظ و بهبود رابطه‌شان در زمان تاهل یاری می‌رساند (کارل و دوهرتی^۱، ۲۰۰۳).

از جمله راه‌های آماده‌سازی برای ازدواج، مرحله خواستگاری می‌باشد. خواستگاری در لغت طلب، خواست، خواهش و طلب زناشویی یا به معنای پیشنهاد ازدواج است.

خواستگاری در اصطلاح به این معناست که مرد، میل و رغبتش را با ازدواج با زنی که خالی از موانع ازدواج است، اظهار کند. این اظهار رغبت، ممکن است توسط خود مرد یا توسط اقوام او یا دیگران باشد که در صورت موافقت زن یا وکیل او با این تقاضا مرحله خواستگاری انجام شده است. خواستگاری یک رسم دیرینه در میان بشر بوده است که مطابق با فطرت و طبیعت انسان، امر طبیعی محکم و مقدمه‌ای برای پیمان زناشویی است که غالباً از ناحیه جنس مذکر آغاز می‌گردد. این حالت امری عرفی است که از فطرت زن و مرد نشات می‌گیرد (لطفی، قربانی، ۱۳۸۸). در این مرحله از زندگی دختر و پسر و خانواده‌های آن‌ها با هم درگیر فرایند آشنایی می‌شوند. بنابراین خواستگاری سنت با ارزشی در نظر گرفته می‌شود (میر محمد صادقی، ۱۴۰۱).

۱. Carl,h & DOHERTY, D

بر اساس نظریه بوئن تمایز یافتگی مفهومی است که بر توانایی فرد برای حفظ استقلال در تصمیم‌گیری و هویت شخصی، در عین حفظ پیوند عاطفی با خانواده تاکید می‌کند. سطح تمایز یافتگی تعیین می‌کند چه قدر جوان در برابر خواسته خانواده، هیجانی یا منطقی رفتار می‌کند و به چه میزان تحت تاثیر خواسته خانواده عمل کند و یا به تعارض آشکار کشیده شود و یا این که با مدیریت هیجانی مناسب، رفتار سالم و سنجیده را اتخاذ می‌کند. علاوه بر تمایز یافتگی، بوئن به مفهوم انتقال بین نسلی اشاره دارد. از منظر انتقال بین نسلی ارزش‌ها و معیارهای انتخاب همسر از والدین به فرزندان منتقل می‌شود و در تصمیم‌گیری جوانان برای ازدواج نقش به‌سزایی ایفا می‌کند (پروچسکا^۲، ۱۴۰۳). بدین ترتیب، تجربه زیسته جوانان در فرآیند خواستگاری را می‌توان نتیجه برخورد میان الگوهای انتقال یافته از نسل‌های پیشین و تلاش نسل جدید برای تمایز یافتگی و بازتعریف نقش خود دانست.

شافعی (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای پدیدار شناسانه، با مصاحبه از ۱۵ دختر جوان که با والدین خود در انتخاب همسر دچار تعارض شده بودند، نشان داد که این تعارض‌ها عمدتاً حول دو محور شکل می‌گیرد. نخست مقاومت دختران در برابر معیارهای سنتی خانواده و نیز فشار والدین بر حفظ ایده‌آل‌های خود است و دومی به مسائل اقتصادی و توقعات مالی خانواده در فرآیند ازدواج بازمی‌گردد.

با توجه به تحقیقات خندان و همکارانش (۱۳۹۹) فشار خانواده و شرایط اقتصادی موجب استراتژی متنوع جوانان از جمله مقاومت یا تبعیت و یا مذاکره می‌شود و این نشان‌دهنده انتقال بین نسلی ارزش‌ها در انتخاب همسر می‌باشد. درمروری نظام مند توسط هورتون و ویلیامسون^۳ (۲۰۲۱) نشان داد، سطح تمایز یافتگی فردی با توانایی مدیریت تعارض، سازگاری زناشویی و استقلال در تصمیم‌گیری رابطه مستقیم دارد.

در پژوهشی وانگ و رایبر^۴ (۲۰۲۳) به بررسی ترجیحات والدین برای انتخاب همسر فرزندشان در مقایسه با ترجیحات خود فرزندان و تأثیر آن بر انتخاب همسر در کشور می‌پردازند. یافته‌ها نشان می‌دهد که والدین در فرآیند انتخاب همسر، عوامل اقتصادی، موقعیت اجتماعی و تحصیلات را در اولویت قرار می‌دهند. در مقابل، جوانان بیشتر به عوامل عاطفی و شخصیتی مانند عشق، تفاهم و جذابیت تمرکز دارند.

۲. Procheska, J

۳. Horton, I & Williamson, M

۴. Wang, B & Rieber, R

در پژوهش دیگری پال، راج و کلاسن^۵ (۲۰۲۳) به بررسی تأثیر میزان گفتگو و ارتباط والدین با دختران نوجوان بر زمان ازدواج و نحوه انتخاب همسر در هند پرداخته‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که دخترانی که رابطه و گفتگوی بیشتری با والدین خود داشتند، دیرتر ازدواج کرده‌اند و احتمال ازدواج زودهنگام در آن‌ها کمتر بود. اما در خانواده‌هایی که گفتگو کم بود و یا کنترل‌گری زیاد وجود داشت، ازدواج زودهنگام و بدون رضایت شخصی در بین آنها بیشتر بود. اما زمانی که رابطه باز و محترمانه‌ای بین والدین با جوانان برقرار بود، احتمال ازدواج اجباری یا شتاب زده کاهش می‌یافت.

الطراونه (۲۰۲۴) به بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه نسبت به ازدواج و مقایسه آن با دیدگاه سنتی‌تر خانواده‌ها در اردن پرداخته و به این نتیجه رسیده است که بسیاری از دانشجویان نگرشی مدرن‌تر و واقع‌گرایانه‌تری نسبت به ازدواج دارند. جوانان ازدواج را بیشتر به‌عنوان شراکت عاطفی و برابر می‌بینند تا ساختار سنتی قدرت‌محور. اختلاف نگرش میان نسل جوان و خانواده‌ها در زمینه‌هایی چون زمان ازدواج، انتخاب همسر، نوع آشنایی، مهریه و نقش زن در خانه وجود دارد.

آپستولو و یان وانگ^۶ (۲۰۱۸) در تحقیقی به بررسی اختلاف بین والدین و فرزندان درباره معیارهای انتخاب همسر در خانواده های چینی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده است که والدین و فرزندان در معیارهایی مثل ظاهر خوب و وابستگی خانوادگی اختلاف نظر دارند. والدین بیشتر به وابستگی به خانواده تاکید دارند و فرزندان به معیارهای شخصی‌تر، ارزش بیشتری می‌دهند. فرح بخش، کلانتر کوشه و محمدی (۱۳۹۴) در پژوهشی به مقایسه رضایت زناشویی در بین زوجین با همسرگزینی سنتی و غیر سنتی پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد در بخش کمی تفاوت معناداری در رضایت زناشویی دو گروه نشان داده نشده است اما در بخش کیفی نشان داده شده است که افراد با ازدواج سنتی در دلبستگی ایمن، دینداری و نقش‌پذیری مثبت در و وضعیت بهتری نسبت به ازدواج غیر سنتی قرار گرفته‌اند. لی ژانگ و وی چن^۷ (۲۰۲۴) در پژوهشی بین ترجیحات همسرگزینی والدین و فرزندان تفاوت معناداری یافتند. نتایج نشان می‌دهد فرزندان بیشتر بر ویژگی مرتبط با ژنتیک مانند جذابیت فیزیکی تاکید دارند، در حالی که والدین بیشتر بر ویژگی‌های مرتبط با تامین منابع و شخصیت توجه می‌کنند

تحقیقات اندکی به طور مستقیم به بررسی چالش‌های جوانان با خانواده در فرآیند خواستگاری پرداخته‌اند. محقق در پژوهش حاضر بر آن است که به این سوال پاسخ دهد که دختران جوان در فرآیند خواستگاری چه چالش‌هایی با خانواده خود تجربه می‌کنند؟

۵. Paul, G, Raj, P & Klassen, M

۶. Apostolos, F & Yan Van, E

۷. Zhang, L & Chen, W

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر کیفی و رویکرد آن تحلیل مضمون بوده است. محقق با ترسیم شبکه مضامین به فهم، تحلیل و تفسیر تجربه‌های زیسته جوانان از چالش‌های با خانواده در فرایند خواستگاری، پرداخته است.

میدان پژوهش، مشارکت‌کنندگان و روش نمونه‌گیری

میدان مورد مطالعه، دختران جوان مجرد یا متاهلی هستند که تجربه خواستگاری داشتند و با خانواده خود چالش‌هایی در این زمینه داشته‌اند. مشارکت‌کنندگان به روش داوطلبانه و در دسترس انتخاب شدند.

ملاک ورود دختران به نمونه:

- بازه سنی ۲۰-۳۵ (این بازه به این دلیل انتخاب شد که چالش‌های معمول با خانواده از چالش‌های ازدواج در سنین پایین یا بالا متمایز شود).

- محل سکونت در شهر (به دلیل اینکه احتمالاً در روستاها مسائل متفاوتی وجود داشته باشد).

معیار خروج:

- بیماری خاص جسمی یا روانی دختران و والدین که مستلزم مراقبت‌های ویژه باشد.

- طلاق عاطفی والدین (به این دلیل که ممکن است چالش‌های والدین بر جلسات خواستگاری تاثیر بگذارد).

روش جمع‌آوری اطلاعات

ابزار مورد استفاده در پژوهش حاضر مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. فرایند مصاحبه تا جایی ادامه یافت که داده‌ها به حد اشباع رسید و پس از آن فرآیند مصاحبه متوقف می‌شد. مصاحبه نیمه ساختار یافته از یکسری سوالات منسجم تشکیل شده است که به منظور دستیابی به اطلاعات بیشتر از سوالات باز پاسخ (به طور مثال، معمولاً چه چالش‌هایی با خانواده در خواستگاری داشتید؟) استفاده شد. در پژوهش حاضر جهت تحلیل مصاحبه‌ها از روش تحلیل شبکه مضامین براون و کلارک^۸ (۲۰۰۶) استفاده شده است. در این روش در مرحله اول، پژوهشگر متن مصاحبه را چندین بار مورد مطالعه قرار می‌دهد تا درک عمیقی از محتوای کلی مصاحبه به دست آورد و نکات اولیه را یادداشت می‌کند. در مرحله دوم، بخش‌های مهم و معنادار داده‌ها را شناسایی می‌کند و به هر بخش برچسب یا کدی اختصاص می‌دهد. مرحله سوم شامل جستجو مضامین است. در این بخش

۸. Brown and Clark

کدهای مشابه در دسته‌هایی قرار می‌گیرند تا مضامین اولیه شکل گیرد. در مرحله چهارم مضامین مورد بازبینی قرار می‌گیرند تا اطمینان حاصل شود داده‌ها از انسجام کافی برخوردار هستند. در مرحله پنجم مضامین تعریف و نام گذاری می‌شوند. در نهایت، مرحله ششم به تهیه گزارش نهایی اختصاص دارد. در این مرحله نتایج تحلیل به صورت منسجم و با استفاده از شواهد و مثال‌های مستقیم از داده‌ها نوشته می‌شود تا نشان داده شود مضامین چگونه با سوال پژوهش ارتباط دارد.

یافته‌ها

شرکت کنندگان ن	سن	سطح تحصیلات	وضعیت تاهل	وضعیت اقتصادی خانواده	شغل	تعداد خواهر / برادر
۱	۲۴	کارشناسی	مجرد	متوسط	معلم	۰/۱
۲	۳۰	کارشناسی	مجرد	متوسط	معلم	۱/۲
۳	۲۵	کارشناسی	متاهل	متوسط	مشاور	۰/۱
۴	۳۲	کارشناسی	متاهل	متوسط	کارمند	۰/۱
۵	۲۱	کارشناسی	مجرد	متوسط	دانشجو	۰/۱
۶	۳۰	کارشناسی	مجرد	متوسط	دانشجو	۰/۱
۷	۳۱	کارشناسی	متاهل	بالا	روانشناس س	۰/۱
۸	۳۴	فوق لیسانس	مجرد	بالا	مشاور	۱/۲
۹	۲۸	کارشناسی	مجرد	متوسط	دانشجو	۰/۲
۱۰	۲۵	کارشناسی	مجرد	متوسط	دانشجو	۰/۱

پژوهش حاضر با هدف واکاوی تجربه زیستی دختران جوان از چالش‌های با خانواده در فرایند خواستگاری است. در ادامه جدول جمعیت‌شناسی شرکت‌کنندگان و نتایج تحلیل مصاحبه‌ها، گزارش و جدول‌های مربوط به شناسه‌های فرعی، اصلی و هسته‌ای خواهد آمد.

اطلاعات جدول شماره ۱، متوسط سن شرکت‌کنندگان ۲۵/۷ سال است که کمینه آن ۲۱ و بیشینه آن ۳۴ سال است. اکثر شرکت‌کنندگان مجرد و دارای وضعیت اقتصادی متوسط هستند. در ادامه سوال پژوهش به همراه یافته‌های مربوط به مصاحبه‌ها ارائه می‌شود. دختران جوان در فرآیند خواستگاری چه چالش‌هایی با خانواده خود تجربه می‌کنند؟

مضمون هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین فرعی	
جوانان و والدین در فرایند خواستگاری، به درک مشترکی نمی‌رسند و جوانان خود را در این موقعیت عامل تلقی نمی‌کنند.	ناهمسانی ارزش‌ها در مورد انتخاب همسر	ناهمسانی ارزش‌ها در مورد اشتغال و موقعیت اجتماعی ۲-۳-۴-۵-۸-۹	
		ناهمسانی ارزش‌ها در مورد ظاهر فیزیکی ۵-۷-۸	
		ناهمسانی ارزش‌ها در مورد محل سکونت ۴-۹	
		ناهمسانی در مورد اولویت ارزش‌ها ۲-۴-۵-۷	
		ناهمسانی ارزش‌ها در مورد آداب و اخلاق ۷-۸	
		ناهمسانی در مورد نقش والدین در زندگی ۱۰	
		ناهمسانی در مورد اهمیت گذشته فرد ۴	
		ناهمسانی در مورد اهمیت مذهب ۱۰	
	تعارض ارزش‌ها نسبت به نوع آشنایی اولیه		سوء تفاهم در مورد نحوه آشنایی ۶
			اهمیت ندادن والدین به آشنایی ۱-۹
			تعارض در نوع آشنایی ۱-۴-۶-۸-۹
			دیدگاه متفاوت در دیدار اولیه خانواده‌ها ۵-۱۰
			اهمیت شناخت معرف توسط خانواده ۸
	کنترل‌گری و سنگ اندازی والدین		اعمال فیلتر انتخاب اولیه پدر ۱۰
			تعیین مهریه سنگین ۶-۹
			تعیین سطح تحصیلات بالا ۹
	عدم توجه والدین به نظرات و راحتی فرزند		رودربایستی و سپردن شرایط به خانواده خواستگار ۱۰
			فشار برای تبعیت از نظر خانواده ۲-۳
	پرداختن به حواشی نامربوط		تجربه فشار در خواستگاری به دلیل حضور پدر ۱۰
			مقایسه با گزینه‌های قبلی ۴

	به اصل ازدواج	محدود کردن فرصت ازدواج فرزند کوچکتر ۲-۹
		تفاوت نظرات والدین و فرزندان در مورد مهریه ۵-۶ توجه افراطی/ بی توجهی والدین به آداب مهمان نوازی ۷-۹
	تعارض نظرات در مهریه/ آداب و رسوم	خلا روانی والدین ۱-۷-۸ نگرانی والدین درباره ازدواج ۱-۷ عقاید ناکارآمد ۱-۴-۱۰
	نگرانی‌ها/ عقاید ناکارآمد و خاطرات تلخ والدین	

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، مضامین به دست‌آمده در مضمون هسته ای «جوانان و والدین در فرایند خواستگاری، به درک مشترکی نمی‌رسند و جوانان خود را در این موقعیت عامل تلقی نمی‌کنند» خلاصه شده‌اند. مضمون‌های فرعی، اصلی و چکیده گفته‌های مشارکت‌کنندگان عبارتند از:

۱- ناهمسانی ارزش‌ها در مورد انتخاب همسر

مشارکت‌کنندگان در پژوهش به به تضاد ارزش‌های خود با خانواده در فرایند خواستگاری اشاره کرده‌اند.

الف - ناهمسانی ارزش‌ها در مورد اشتغال و موقعیت اجتماعی

شناسه ۲: من تمایل داشتم با آقای طلبه ازدواج کنم اما مادرم به محض اینکه متوجه می‌شدند خواستگار من طلبه هست، رد می‌کرد."

ب - ناهمسانی ارزش‌ها در مورد ظاهر فیزیکی

شناسه ۵: "ظاهر آقا مورد پسند من نبود اما مادرم می‌گفت اصلا ظاهر مهم نیست."

پ - ناهمسانی ارزش‌ها در مورد محل سکونت

شناسه ۹: "برای خانواده من خیلی مهم بود و اصرار داشتند که محل زندگی من بعد ازدواج نزدیک به آنها باشد اما برای من اولویت نداشت و برای من اعتقادات طرف مقابل مهم بود."

ت- ناهمسانی در مورد اولویت ارزش ها

شناسه ۷: " والدینم می گفتند خواستگار مورد نظر باید به ثبات مالی رسیده باشد اما اولویت برای من این بود که از لحاظ اعتقادی با هم تناسب داشته باشیم."

ث- ناهمسانی ارزش ها در مورد آداب و اخلاق

شناسه ۷: " زمانی که برای آشنایی با آقا به کافی شاپ رفتیم، یک کیک نصف کرد با هم بخوریم من خیلی ناراحت شدم و جواب منفی دادم اما پدرم می گفت کار اشتباهی نکرده، فقط مهارت ندارد."

ج- ناهمسانی در مورد نقش والدین در زندگی

شناسه ۱۰: " مادر آقا بسیار کنترل گری بودند. مادر من می گفتند که این خانم در آینده بسیار مشکل زا خواهند بود، اما به نظر من خود آقا مهم بود و خانواده تاثیری ندارد."

چ- ناهمسانی در مورد اهمیت گذشته فرد

شناسه ۴: " به نظر من گذشته هر فرد به خودش ربط دارد و نباید در دوره آشنایی مورد بررسی قرار گیرد اما خانواده با نظر من مخالف بودند."

ح- ناهمسانی در مورد اهمیت مذهب

شناسه ۱۰: " برای من اعتقادات مذهبی خیلی مهم بود اما پدرم می گفت خیلی سخت می گیری."

۲- تعارض ارزش ها نسبت به نوع آشنایی اولیه

الف- سوء تفاهم در مورد نحوه آشنایی

شناسه ۶: "زمانیکه خانواده آقا با مادرم تماس گرفتند ، به مادرم گفتند با دختر شما هماهنگ کردیم. مادر من فکرمی کرد بدون مشورت آنها جواب مثبت دادم اما من فقط شمار تلفن منزل به خانواده آقا داده بودم."

ب- اهمیت ندادن والدین به آشنایی

شناسه ۱: " مادر من، یک خانم سنتی است و آشنایی قبل عقد نمی پسندید و انتظار داشت در جلسات اولیه، جواب قطعی بدهم."

پ- تعارض در نوع آشنایی

شناسه ۹: " ترجیح من این بود بیرون از منزل با آقا صحبت کنم و زمانی که قطعی شد، آقا به همراه خانواده به منزل ما بیایند اما مادرم موافقت نمی کرد."

ت- دیدگاه متفاوت در دیدار اولیه خانوادهها

شناسه ۵: " برخی از خواستگارها ابتدا فقط مادر می آمد و بعدش آقا پسر می آمد. من با این رویه به شدت مشکل داشتم اما مادرم می گفت اشکالی ندارد."

ث- اهمیت شناخت معرف توسط خانواده

شناسه ۸: " برای مادر من خیلی مهم بود بداند که معرف چه کسی هست."

۳- کنترلگری و سنگ اندازی والدین

الف- اعمال فیلتر انتخاب اولیه پدر

شناسه ۱۰: " پدر من تمایل داشت در ابتدا آقا را به تنهایی ببیند و بعد از اینکه مورد تایید قرار گرفت، ما با هم آشنا شویم."

ب- تعیین مهریه سنگین

شناسه ۱۰: " مادر من در جلسه خواستگاری دائما سنگ اندازی می کرد که طرف مقابل منصرف شود. به طور مثال می گفتند، مهریه سال تولد باشد در صورتی که همسر در آن زمان اصلا بیکار بودند."

پ- تعیین سطح تحصیلات بالا

شناسه ۹: " با اصرار مادرم کنکور کارشناسی ارشد دادم و قبول شدم و بعد از آن اصرار داشتند که خواستگاریایی که می آیند تحصیلات بالا داشته باشند."

۴- عدم توجه والدین به نظرات و راحتی فرزند

الف- رودربایستی و سپردن شرایط به خانواده خواستگار

شناسه ۱۰: " من می خواستم جلسه خواستگاری زمانی برگزار شود که من استراحت کافی کرده باشم که بتوانم در خواستگاری عملکرد بهتری داشته باشم اما مادر من در رودربایستی خیلی وقتها به نظر من توجه نمی کرد."

ب- فشار برای تبعیت از نظر خانواده

شناسه ۲: "مادرم می گفت تو چه کسی هستی که تعیین کنی فردی خوب یا بد هست."

۵- پرداختن به حواشی نامربوط به اصل ازدواج

الف- تجربه فشار در خواستگاری به دلیل حضور پدر

شناسه ۱۰: "وقتی پدرم در جلسه حضور دارند خیلی مسائل حاشیه ای مطرح می شود که اصلا مورد علاقه من نیست و ربطی هم به ازدواج ندارد. نمی تونم واکنشی نشان دهم می ترسم پدرم ناراحت شود."

ب- مقایسه با گزینه های قبلی

شناسه ۴: " پدر من تا دو سال هرکسی برای خواستگاری می آمد، می گفتند یک فردی که مورد نظر ایشون بود بهتر بود و من اشتباه کردم جواب منفی دادم."

پ- محدود کردن فرصت ازدواج فرزند کوچکتر

شناسه ۲: "مادرم خواستگارها، بدون مشورت با من رد می کرد و می گفت باید اول خواهر بزرگتر تو ازدواج کند."

۶- تعارض نظرات در مهریه / آداب و رسوم

الف- تفاوت نظرات والدین و فرزندان در مورد مهریه

شناسه ۵: " پدرم با مهریه ۱۴ تا موافق بود اما به نظر من و مادرم خیلی کم بود."

شناسه ۶: " خانواده آقا مهریه را خیلی کم گفتند و پدرم گفت عرف خانواده ما خیلی بیشتر از ۱۴ تا هست."

ب- توجه افراطی / بی توجهی والدین به آداب مهمان نوازی

شناسه ۹: "مادر من برای هر خواستگاری که می آمد، خانه به طور کامل مرتب می کرد و من به خاطر اذیت شدن مادرم ناراحت می شدم."

شناسه ۹: "برای پدر من رعایت آداب و رسوم ازدواج مهم نبود و می گفت مهم این است که سنت الهی محقق شود."

۷- نگرانی ها / عقاید ناکارآمد و خاطرات تلخ والدین

الف - خلا روانی والدین

شناسه ۱: "مادر من اجازه ورود خواستگار را نمی داد و به دلیل اینکه پدرم تازه فوت کرده بودند می گفت چرا اینقدر عجله داری؟ انگار من، تنهایی مادرمو پر می کردم... می گفت به چه کسی می شود اعتماد کرد و یا اینکه پدرت نیست چه کسی تحقیق را باید انجام دهد؟"

ب- نگرانی والدین درباره ازدواج

شناسه ۳: "از اطرافیان می خواست که منو راضی کنند به فردی که برای خواستگاری آمده بود، جواب منفی بدهم."

پ- عقاید ناکارآمد

شناسه ۱: "مادرم می گفت هر چی خوشیه برای قبل ازدواج هست. ازدواج فقط بدبختی و سختی هست."

شناسه ۱۰: "خانواده پدر من گیلانی بودند و مادر من به دلیل تفاوت فرهنگی خیلی اذیت شد. بنابراین به شدت مخالف ازدواج من با یک فرد گیلانی بود."

نتیجه گیری

پژوهش حاضر به چالش های جوانان با خانواده در فرایند خواستگاری به روش تحلیل مضمون پرداخته است. جهت جمع آوری اطلاعات، از مصاحبه نیمه ساختاریافته و میدان مورد مطالعه، دختران جوانی بودند که تجربه خواستگاری داشتند و با خانواده خود چالش هایی در این زمینه داشتند. مشارکت کنندگان به صورت داوطلبانه و در دسترس انتخاب شدند. از طریق تحلیل مصاحبه ها و شناسه گذاری جملات و عبارات، هفت مضمون اصلی ((ناهمسانی ارزش ها در مورد انتخاب همسر، تعارض ارزش ها

نسبت به نوع آشنایی اولیه، کنترلگری و سنگ اندازی والدین، عدم توجه والدین به نظرات و راحتی فرزند، پرداختن به حواشی نامربوط به اصل ازدواج، تعارض نظرات در مهریه/ آداب و رسوم، نگرانی‌ها/ عقاید ناکارآمد و خاطرات تلخ والدین)) به دست آمد. نتایج این پژوهش نشان داد جوانان و والدین در فرایند خواستگاری، به درک مشترکی نمی‌رسند و جوانان خود را در این موقعیت عامل تلقی نمی‌کنند. در قسمت بعدی، مضامین اصلی طرح و پژوهش‌های همسو ذکر خواهد شد و در نهایت تبیین محقق از مضامین اصلی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

اولین مضمون اصلی به دست آمده « ناهمسانی ارزش‌ها در مورد انتخاب همسر » بود. در مضمون اصلی « ناهمسانی ارزش‌ها در مورد انتخاب همسر » که شناسه‌های فرعی آن شامل ناهمسانی ارزش‌ها در مورد آداب و اخلاق، ناهمسانی در مورد نقش والدین در زندگی، ناهمسانی ارزش‌ها در مورد اشتغال و موقعیت اجتماعی، ناهمسانی ارزش‌ها در مورد ظاهر فیزیکی، ناهمسانی ارزش‌ها در مورد محل سکونت، ناهمسانی در مورد اولویت ارزش‌ها، ناهمسانی در مورد اهمیت گذشته فرد، ناهمسانی در مورد اهمیت مذهب می‌شود. در این مضمون شرکت‌کنندگان به تعارض ارزش‌ها با خانواده در انتخاب همسر اشاره کرده‌اند. در پژوهش حاضر نشان داده شد که جوانان در برخی ارزش‌ها همچون نقش والدین در زندگی، نقش مذهب و اخلاق در انتخاب همسر و غیره با خانواده خود اختلاف نظر دارند. مضمون این یافته با پژوهش آپستولو و یان وانگ (۲۰۱۸) همسوست. در پژوهش آنان نیز به این نتیجه رسیده‌اند که والدین و فرزندان در معیارهایی مثل ظاهر خوب، وابستگی خانوادگی اختلاف نظر دارند. والدین بیشتر به وابستگی به خانواده تاکید دارند، فرزندان به معیارهای شخصی‌تر، ارزش بیشتری می‌دهند. همچنین در پژوهش دیگری که توسط وانگ، ژان بووه و رایبر (۲۰۲۳) صورت گرفته است، یافته‌ها نشان می‌دهد که والدین در فرآیند انتخاب همسر، عوامل اقتصادی، موقعیت اجتماعی و تحصیلات را در اولویت قرار می‌دهند. در مقابل، جوانان بیشتر به عوامل عاطفی و شخصیتی مانند عشق، تفاهم و جذابیت تمرکز دارند. ناهمسانی ارزش‌ها میان جوانان و خانواده‌ها، فرایند انتخاب همسر را پیچیده و پرچالش می‌کند. آگاهی از تفاوت‌های ارزشی و گفتگو صادقانه با خانواده می‌تواند نقش موثری در تسهیل تصمیم‌گیری و کاهش تعارض داشته باشد.

دومین مضمون اصلی به دست آمده « تعارض ارزش‌ها نسبت به نوع آشنایی اولیه » بود. در مضمون اصلی « تعارض ارزش‌ها نسبت به نوع آشنایی اولیه » که شناسه‌های فرعی آن شامل سوء تفاهم در مورد نحوه آشنایی، اهمیت شناخت معرف توسط خانواده، تعارض در نوع آشنایی، دیدگاه متفاوت در دیدار اولیه خانواده‌ها، اهمیت ندادن والدین به آشنایی می‌شود. این یافته با پژوهش شفیع و فاتح زاده (۱۴۰۱) که نشان می‌دهد که دختران جوان بیشتر تحت تاثیر ارزش‌های مدرن، نوعی آشنایی مبتنی

بر تعامل و شناخت تدریجی ترجیح می دهند و در مقابل والدین معتقد به آشنایی محدود و سنتی تر هستند که خانواده نظارت بیشتری داشته باشد، همسوست.

در گذشته انتخاب همسر بیشتر مبتنی بر ارزش های سنتی، دخالت خانواده و محدودیت در انتخاب مستقیم دختر و پسر بود، اما با مدرن شدن جامعه استقبال کمتر جوانان برای ورود خانواده به این موضوع مهم و سرنوشت ساز میشود و از بسیاری از تجربیات ارزشمند آنها در فرآیند انتخاب همسر استفاده لازم به عمل نمی آید و ممکن است به دلیل عدم حل تعارض بین آنها، انتخاب سالم و متناسبی شکل نگیرد (دهواری، ۱۴۰۲). تعارض ارزشها به نوع آشنایی اولیه، مسیر تصمیم گیری و تعامل جوانان با خانواده را تحت تاثیر قرار دهد. با توجه به اهمیت این موضوع، خانواده ها باید سعی کند دنیا از دید فرزندان خود نگاه کنند و به نگرش های آنان توجه کنند، مزایا و معایب آشنایی سنتی و نیمه سنتی و مدرن در یک بستر ارتباطی امن و مورد اعتماد به طور واقع بینانه مورد بررسی قرار دهند و در نهایت با در نظر گرفتن همه ابعاد مساله، به تصمیم گیری عاقلانه و با کمترین خطر دست یابند.

سومین مضمون اصلی به دست آمده « کنترل گری و سنگ اندازی والدین » بود. در مضمون اصلی « کنترل گری و سنگ اندازی والدین » که شناسه های فرعی آن شامل تعیین سطح تحصیلات بالا، اعمال فیلتر انتخاب اولیه پدر، تعیین مهریه سنگین می شود. برخی از مصاحبه شوندگان اظهار داشتند که به دلیل کنترلهای زیادی که در خواستگاری توسط والدین اعمال می شود، عملکرد مطلوبی در جلسه خواستگاری نداشتند به طوریکه معیارهای فردی آنها در جلسه نادیده گرفته می شد و به نظر می رسید در تصمیم گیری برای انتخاب همسر سهم اندکی برای آنان در نظر گرفته می شود. این یافته با نتایج پژوهش پال، راج و کلاسن (۲۰۲۳) که نشان داد در خانواده هایی که گفتگو کم بود و یا کنترل گری زیاد وجود داشت، ازدواج زودهنگام و بدون رضایت شخصی در بین آنها بیشتر بود. اما زمانی که رابطه باز و محترمانه ای بین والدین با جوانان برقرار بود، احتمال ازدواج اجباری یا شتاب زده کاهش می یافت، همخوانی داشت. در تبیین این موضوع باید گفت که محدودیتها و موانع والدین، جوانان را در فرآیند انتخاب همسر تحت فشار قرار می دهد و آنها را در مواجهه با تعارض میان خواست شخصی و انتظارات خانواده قرار می دهند و جوانان را مجبور به انتخابی می کنند که متناسب با نیازها و ارزشهای آنان نیست و در واقع در مسیر این انتخاب، والدین ارزشها و نیازهای درونی خود و گاه ناکامی های خود را در زندگی فرزند خود جستجو می کنند و موجبات انتخاب نامتناسب را فراهم می کنند.

چهارمین مضمون اصلی به دست آمده « عدم توجه والدین به نظرات و راحتی فرزند » بود. در مضمون اصلی « عدم توجه والدین به نظرات و راحتی فرزند » که شناسه های فرعی آن شامل رودربایستی و سپردن شرایط به خانواده خواستگار، فشار برای

تبعیت از نظر خانواده می‌شود. این یافته با پژوهش شافعی (۱۳۹۹) که نشان داد تعارض جوانان با والدین در انتخاب همسر عمدتاً بر اساس مقاومت جوانان در برابر معیارهای سنتی خانواده و نیز فشار والدین بر حفظ ایده‌آل‌های خود است، همسوست. بی‌توجهی والدین به نظر و احساس راحتی فرزندان در جلسات خواستگاری، تجربه او را با فشار و نارضایتی همراه می‌کند. این نادیده گرفتن، موجب می‌شود فرزندان احساس کنند افکار و نیازهای آنان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و در یکی از مهمترین انتخاب‌های خود نقش مهم و تعیین کننده‌ای ندارند و در نهایت فاصله عاطفی میان فرزند و خانواده را تشدید می‌شود. جوانان در واکنش به فشارهای خانواده روش‌های مقابله‌ای متفاوتی به کار می‌گیرند. ممکن است بدون در نظر گرفتن افکار و احساس و نیاز خود، سرتسلیم فرود آورند و مطیع تصمیم آنها شوند و یا به شکل‌های مختلف از خانواده اجتناب یا فرار می‌کنند و یا به شکل افراطی با آنها لجبازی کنند و دست به انتخاب نامتناسب و ناپخته‌ای بزنند که صرفاً شبیه معیارهای خانواده نباشد هرچند انتخاب اشتباهی باشد.

پنجمین مضمون اصلی به دست آمده «پرداختن به حواشی نامربوط به اصل ازدواج» بود. در مضمون اصلی «پرداختن به حواشی نامربوط به اصل ازدواج» که شناسه‌های فرعی آن شامل محدود کردن فرصت ازدواج فرزند کوچکتر، تجربه فشار در خواستگاری به دلیل حضور پدر، مقایسه با گزینه‌های قبلی می‌شود. در واقع برخی از والدین با ایجاد چارچوبی برای ازدواج فرزندان، انتخاب آنها را محدود می‌کنند. این یافته با پژوهش ویلابی و همکاران (۲۰۱۲) که نشان می‌دهند، نگرش والدین نسبت به زمان و اهمیت ازدواج به طور قابل توجهی به فرزندان منتقل می‌شود، همسوست. درگیر شدن والدین با حواشی نامرتبط با اصل ازدواج، تمرکز جوانان را از معیارهای اساسی انتخاب همسر منحرف می‌کند و فرایند تصمیم‌گیری را با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌سازد. نگرش والدین درباره زمان مناسب و اهمیت ازدواج، باعث می‌شود فرزندان خود را در چارچوب این انتظارات بسنجند و گاه میان خواست شخصی و حساسیت‌های خانوادگی گرفتار می‌شوند. در این شرایط نه تنها تنش افزایش می‌یابد بلکه می‌تواند انتخاب آگاهانه و آرام فرزند را تحت تاثیر قرار دهد. ششمین مضمون اصلی به دست آمده «تعارض نظرات در مهریه/ آداب و رسوم» بود. در مضمون اصلی «تعارض نظرات در مهریه/ آداب و رسوم» که شناسه‌های فرعی آن شامل تفاوت نظرات والدین و فرزندان در مورد مهریه و توجه افراطی/ بی‌توجهی والدین به آداب مهمان نوازی می‌شود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش الطراونه (۲۰۲۴) که نشان داد اختلاف نگرش میان نسل جوان و خانواده‌ها در زمینه‌هایی چون زمان ازدواج، انتخاب همسر، نوع آشنایی، مهریه و نقش زن در خانه وجود دارد و بسیاری از جوانان نگرشی مدرن‌تر و واقع‌گرایانه‌تر نسبت به انتخاب همسر دارند، ارتباط دارد. در پژوهش حاضر اکثر جوانان تمایل زیادی به مهریه پایین داشتند و خانواده آنها مهریه سطح بالا را تضمینی برای تداوم زندگی فرزندان می‌دانستند. با اینکه ازدواج امری ساده، بی‌تکلف و بدون تشریفات است، اما متأسفانه این حقیقت ساده، در بعضی موارد از مسیر آسان و بی‌آلایش خود خارج و به دلایل

گونگون با آداب و رسوم و توقعات مادی و غیرمادی زائد به مشکلات زیادی مبتلا می‌شود (جان بزرگی، ۱۴۰۱). علاوه بر این برخی از مصاحبه‌شوندگان در رابطه با توجه افراطی والدین به آداب مهمان نوازی احساس ناراضی می‌کردند و بیان می‌کردند خواستگاری سنتی دست‌وپا گیر هست و باعث می‌شود والدین به خصوص مادر با ورود هر خواستگار متحمل زحماتی شود اما در عین حال می‌گفتند جایگزین مناسبی هم برای آشنایی پیش از ازدواج با توجه به فرهنگ و شرایط خانوادگی خود ندارند.

آخرین مضمون اصلی به دست آمده «نگرانی‌ها/عقاید ناکارآمد و خاطرات تلخ والدین» بود. در مضمون اصلی «نگرانی‌ها/عقاید ناکارآمد و خاطرات تلخ والدین» که شناسه‌های فرعی آن شامل نگرانی والدین درباره ازدواج و خلا روانی والدین می‌شود. مضمون این یافته با پژوهش حسین هنرور و ابراهیم محمدپور (۱۳۹۹) همسوست. آنان نیز به این نتیجه رسیدند که سبک‌های سنتی انتخاب همسر، نگرش جوانان را به سمت پذیرش معیارهای والدین سوق می‌دهد. سبک‌های آزاد یا حمایت‌گرایانه، استقلال و انعطاف در انتخاب همسر را افزایش می‌دهد. نگرش جوانان تحت تاثیر ترکیبی از ارزش‌ها، افکار، دینداری و سبک فرزندپروری والدین است. به عبارت دیگر، هم انتقال بین‌نسلی ارزش‌ها و هم تمایز یافتگی فردی در تصمیمات ازدواج نقش دارد. در پژوهش حاضر برخی از مصاحبه‌شوندگان اذعان داشتند که معیارها والدین با معیارهای آنها همخوانی ندارد و معیارهای والدین ناشی از خلا روانی و ناکامی‌های گذشته آنان است و بر معیارهای اشتباه خود پافشاری می‌کنند به گونه‌ای احتمال انتخاب اشتباه و نامتناسب را در فرزندانشان افزایش می‌دهند. برخی از مصاحبه‌شوندگان دیگر با وجود پافشاری والدین بر معیارهای شخصی خود، طبق معیارهای خود، با ایجاد رضایت حداقلی والدین، دست به انتخاب زدند و رضایت بیشتری احساس می‌کردند. در واقع این افراد تمایز یافتگی بالایی داشتند و در عین ارتباط موثر با خانواده، معیارهای فردی خودشان به خوبی بررسی کرده‌اند و همسری متناسب با خود انتخاب کرده‌اند.

در دهه‌های اخیر، تشکیل خانواده از بعد ساختارهای فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی دستخوش تغییراتی شده است که آهنگی شتابان دارد و مشکلاتی برای ازدواج ایجاد کرده است (خجسته مهر، محمدی و عباس پور، ۱۳۹۶). در ایران نیز، فرآیند ازدواج با چالش‌هایی همراه بوده است. این چالش‌ها نه تنها بر روابط میان جوانان و خانواده اثر گذاشته است بلکه می‌تواند بر کیفیت زندگی زناشویی و پایداری خانواده‌ها نیز اثرگذار باشد (ترابی، باقی، ۱۴۰۲). به نظر می‌رسد ادراک آینده‌ناایمن از آینده شخصی از بعد اجتماعی و اقتصادی، جوانان را از ازدواج به دور ساخته است. هر چند که در این میان دولت‌ها تلاش بر این دارند که سیاست‌هایی در جهت بهبود اعمال کنند (لاریجانی، عابدی، نوری، ۱۴۰۱).

با توجه به یافته این پژوهش جوانان و والدین در فرایند خواستگاری، به درک مشترکی نمی‌رسند و جوانان خود را در این موقعیت عامل تلقی نمی‌کنند یکی از شکایت‌های اصلی جوانان در پژوهش حاضر این بود که والدین بر معیارهای شخصی خود،

بدون شناخت فرزندشان پافشاری می کنند و در واقع نیازهای جوانان در انتخاب همسر نادیده گرفته می شود و باعث می شوند به طور مستقیم و غیرمستقیم انتخاب متناسبی شکل نگیرد. در برخی از گزارش ها گفته شده بود زمانی که این حد پافشاری والدین دیده می شود جوانان شرایط روانی خوبی را برای یک انتخاب مناسب تجربه نمی کنند. آنها ممکن است یا مقاومت شدید به نظرات خانواده نشان دهند به طوریکه معیارهای واقعی خودشان نیز دچار دگرگونی شود و یا به طور کلی از ازدواج کردن منصرف می شوند و یا در مواردی با وجود عدم رضایت، تن به خواسته والدین می دهند. در موارد اندکی در صورت تعارض معیارها، جوانان و والدین به توافق می رسند و این نشان دهنده این هست که والدین و جوانان نیاز به مهارت آموزی دارند. در درجه اول نیاز به مهارت های ارتباطی دارند که بتوانند تا حد ممکن دنیای ذهنی هم درک کنند و در درجه دوم نیاز به مهارت هایی در زمینه پیش از ازدواج دارند که خطاهای شناختی که ممکن است دچار باشند را بشناسند و سپس اطلاعاتی در این زمینه کسب کنند که به انتخاب عاقلانه و متناسب منتهی شود. بعد از انجام تحقیق متوجه شدیم در نمونه این پژوهش اکثر مصاحبه شوندگان خواهر داشتند و تولد فرزند دختر در خانواده آنها بیشتر بود و این موضوع ممکن است بر اساس سنت، فشار خانواده را برای ازدواج دختران جوان را افزایش دهد.

لازم به ذکر است که کیفی بودن پژوهش حاضر به جهت بررسی عمیق تجربه زیسته دختران جوان از چالش های با خانواده در فرایند خواستگاری بوده است و این پژوهش محدودیت هایی نیز داشته است. مطالعه مورد نظر بر روی تعداد محدودی از دختران جوان انجام شده و یافته ها ممکن است قابل تعمیم به کل جامعه نباشد و ممکن است تجربه ها و چالش ها بسته به فرهنگ و تحصیلات و فرهنگ خانواده متفاوت باشد.

قدردانی و تشکر

پژوهشگر بر خود لازم می داند از تمامی مشارکت کنندگان شرکت کننده در این پژوهش و نیز تمام کسانی تشکر کند که روند پژوهش را فراهم و آسان کردند.

پیشنهادات

به نظر می رسد آموزش مهارت های ارتباطی و در اختیار قرار دادن اطلاعات صحیح در رابطه با موضوع انتخاب همسر امری لازم و ضروری می باشد. والدین و جوانان با یادگیری مهارت ها و کسب اطلاعات صحیح درباره این موضوع می توانند، دنیای ذهنی هم به خوبی درک کنند و در عین حال که جوانان از تجربیات ارزشمند والدین خود استفاده می کنند، نیازها و اولویتهای خودشان را نیز در انتخاب لحاظ کنند. در پژوهش حاضر مصاحبه شوندگان دختران جوانی بودند که در فرایند ازدواج با خانواده

خود، چالش داشتند. بنابراین توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی نظرات والدین در رابطه با این چالش‌ها و نحوه حل مساله آنان نیز مورد توجه و بررسی عمیق‌تر قرار گیرد.

منابع

- امینی، ی؛ محمودی، م؛ امینی، م (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی نگرشی در نسل نسبت به تشکیل خانواده مطالعه موردی پسران ۲۰ تا ۳۰ ساله شهرستان شوشتر»، *مجله علوم اجتماعی*، (۴۰)، ۱۲، ۲۵۱-۲۶۸.
- پروچسکا، ج؛ نورکراس، ج (۲۰۲۳). نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، چاپ بیست و سوم، تهران: انتشارات روان.
- ترابی، ف؛ باقی، م (۲۰۲۴). «عوامل تعیین کننده ازدواج زود هنگام در ایران»، *مجله بین‌المللی نوجوانی و جوانی*، ۳۴ (۱)، ۲۶-۳۱.
- جان بزرگی، م (۱۴۰۱)، *مشاوره پیش از ازدواج*، چاپ هشتم، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جواهری، م؛ کلانتر کوشه، م؛ فرح‌بخش، ک (۱۳۹۴). «مقایسه رضایت زناشویی در زوجین با همسر گزینی سنتی و غیر سنتی شهر تهران»، *نشریه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲ (۵)، ۱۲۳-۱۴۲.
- خندان، م (۱۳۹۹). «تجربه زیسته فرزندان نوجوان خانواده‌های دارای تعارض زناشویی در ایران»، *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، ۲۶ (۱)، ۶۶-۷۴.
- خجسته‌مهر، ر؛ محمدی، ع؛ عباس پور، د (۱۳۹۲). «نگرش دانشجویان متأهل به ازدواج: یک مطالعه کیفی»، *نشریه روان پرستاری*، ۲ (۵)، ۲۸-۱۹.
- دهواری، م (۱۴۰۲)، «بررسی ازدواج سنتی و مدرن در ایران»، *ششمین کنگره ملی آنالیز داده‌ها در علوم انسانی*، ۷ (۳)، ۸۳-۹۵.
- روشنی، ش (۱۴۰۰)، «نقش تعاملات زناشویی والدین و آموزش های آنان در زمینه ازدواج در پیش بینی نگرش فرزندان به ازدواج»، *پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده*، ۹ (۴)، ۱۵۹-۱۷۹.
- سالاری فر، م (۱۳۹۳)، *خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی*، چاپ هفدهم، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شافعی، م (۱۳۹۹). تعارض جوانان با خانواده در فرایند خواستگاری، جامعه شناسی ازدواج و خانواده در ایران، (۴)، ۱۲، ۴۶-۴۲.
- شفیعی، ف؛ فاتحی، م (۱۴۰۱). «تعارضات همسرگزینی: مطالعه پدیدارشناسانه»، *فصلنامه پژوهش‌های خانواده*، (۱)، ۵۵، ۱۸-۷۲.
- طلایی، ف؛ برجعلی، ا؛ شریعتمدار، آ؛ خوانین زاده، م (۱۴۰۰). «آموزه های قرآنی جهت مدیریت روابط و نقش های زوج ها»، *فصلنامه علمی پژوهشی مشاوره*، (۷۷)، ۲۰، ۲۸۳-۲۸۷.
- فرح‌بخش، کیومرث، نعیمی، ابراهیم (۱۴۰۰) عوامل موثر بر شکل‌گیری ملاک‌های انتخاب همسر در جوانان تحصیل کرده ایلام، *نشریه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۵ (۱۷)، ۶۲-۶۰.
- لاریجانی، م؛ عابدی، م؛ نوری، ط (۱۴۰۱). «تجارب زیسته جوانان از چالش‌های فرآیند تشکیل خانواده در دوران پیش و پس از کرونا»، *نشریه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۷ (۵)، ۴۶-۵۸.
- لطفی، ا؛ قربانی، ف (۱۳۸۸). «خواستگاری از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی»، *فصلنامه علمی- ترویجی بانوان شیعه*، (۵)، ۲، ۶۵-۷۸.
- میر محمد صادقی، م (۱۴۰۱). «آموزش پیش از ازدواج»، چاپ چهارم، تهران: انتشارات پیمان دانش.

- Altarawneh, R. T. (۲۰۲۰). Attitudes toward marriage among university students enrolled in a family counseling course: A comparative study. *BMC Psychology*, ۱۳(۲۷), ۳۳-۴۳.
- Apostolou, M. & Wang, Y. (۲۰۱۸). Parental conflict and children's mate preferences: Evidence from China. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, ۴۹(۵), ۷۳۵-۷۵۲.
- Bowen, M. (۱۹۷۸). *Family therapy in clinical practice*. Northvale, NJ : Jason Aronson, ۳(۷)۳۴۴-۴۲۳.
- Horton, R., & Williamson, J. (۲۰۲۱). Differentiation of self and its impact on marital satisfaction: A systematic review. *Journal of Family Psychology* (۵)۳, ۲۲-۳۰.
- Lansford, J. E., Giunta, L. D., Oburu, P., Sorbring, E., Skinner, A. T., & Pastorelli C. (۲۰۲۴). Adolescents' relationships with parents and romantic partners in eight countries. *Journal of Adolescence*, ۲۵(۱۳), ۱۰۲-۱۸۷.
- Paul, P., Closson, K., & Raj, A. (۲۰۲۳). Is parental engagement associated with subsequent delayed marriage and marital choices of adolescent girls, India. *BMC Public Health*, ۲۵(۲۰), ۱۹۷-۲۲۰.
- Willoughby, B.J., & Carroll, J.S. (۲۰۱۲). Marital Paradigms: A Conceptual Framework for Examining Beliefs About Marriage. *Journal of family theory & Review*, ۴(۳),
- Zhang, Lam, K. K. L., & Chen, W. (۲۰۲۴). Parent-child discrepancies in mate preferences: A three-level meta-analysis. *Journal of Family Theory & Review*, ۱۶(۴), ۴۸۷-۵۰۱.

The Lived Experience of Young Girls Regarding Family-Related Challenges in the Marriage Proposal Process

Abstract

Choosing a spouse is considered one of the most important decisions, and in fact, the importance of this choice is great that is referred to as the tying of bodies, souls, and destinies. One of the traditions that is carried out in Iran is matchmaking. In the recent socio-economic changes, attitudes toward choosing a life partner, individual independence, and the role of the family have changed, and young people are experiencing more challenges with their families than in the past. The present study attempts to examine the challenges that young people face with their families in the matchmaking process, which was conducted using the content analysis method. Semi-structured interviews were used to collect data. The study field was young girls who had experience in matchmaking and had challenges with their families in this regard. Participants were selected voluntarily and conveniently, and ۱۰ interviews were conducted with ۱۰ people until data saturation. Data analysis was performed using the ۶-step method of Brown and Clark (۲۰۰۶). Through the analysis of interviews and the identification of sentences and phrases, the sub-themes obtained were classified into seven main themes: disparity of values regarding the choice of spouse, conflict of values regarding the type of initiation, acquaintance, control and obstruction, parents' lack of attention to the opinions and comfort of the child; dealing with matters unrelated to the principle of marriage, concerns, ineffective beliefs, Conflicting opinions on dowry/customs and bitter memories of parents. The results showed that young people and parents do not reach a common understanding in the courtship process.

Keywords: youth, challenge, marriage, family, selection.